

DOI: 10.30495/jss.2021.1936355.1364

Research Paper

The relationship between citizenship ethics, social participation and social trust among the citizens of Tabriz

Simindokht Nematollahi

Faculty member of Islamic Azad University, Tabriz Branch, Department of Architecture and Urban Planning, Tabriz–Iran. E- mail: nematollahi@iaut.ac.ir

Citizenship ethics is a set of principles, criteria and norms that govern the behavior, relationships and social relations of citizens. Citizenship ethics as a social variable is associated with various factors, some of which can play an effective role in promoting citizens' ethics. One of the important factors is social capital and its dimensions. The present study was conducted to determine the relationship between citizenship ethics, social participation and trust among the citizens of Tabriz. The research method was applied in terms of purpose and a cross-sectional study in terms of time. The data collection method was correlational survey. The statistical population was the citizens of the third district of Tabriz municipality with 64,000 households. According to Morgan's table, the sample size was 330 people and sampling was done by systematic random method. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. Findings showed that, there is a significant relationship between citizenship ethics, social participation and trust among the citizens of the third district of Tabriz municipality. There was no significant difference in citizenship ethics according to the level of education and occupation of citizens. Due to the significant relationship between citizenship ethics and social participation and trust among citizens, it is necessary to establish social cohesion and mutual trust between members of society, strengthen democratic and more efficient institutions and make these institutions more accountable.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHOR THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Citizenship Ethics, Social Capital, Citizens of Third district of Tabriz Municipality.*

رابطه اخلاق شهروندی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان تبریز

سیمیندخت نعمت‌الهی^۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۶/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۳

چکیده

اخلاق شهروندی، مجموعه‌ای از مبانی، معیارها و هنجارهایی است که بر رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است. اخلاق شهروندی به عنوان یک متغیر اجتماعی با عوامل مختلفی در ارتباط است که برخی از این عوامل می‌توانند در ارتقای اخلاق شهروندان نقش موثری داشته باشند. یکی از عوامل مهم، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن می‌باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه اخلاق شهروندی، مشارکت اجتماعی و اعتماد در بین شهروندان تبریز به انجام رسیده است. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر زمان یک بررسی مقطعی بود. روش جمع‌آوری داده‌ها، پیمایش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری، شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز با ۶۴ هزار خانوار بود. بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه ۳۳۰ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی سیستماتیک انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود. یافته‌های به دست آمده نشان داد که رابطه معنی‌داری بین اخلاق شهروندی، مشارکت اجتماعی و اعتماد در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز وجود دارد. تفاوت معناداری در اخلاق شهروندی، با توجه به سطح تحصیلات و شغل شهروندان وجود نداشت. با توجه به ارتباط معنی‌دار اخلاق شهروندی و مشارکت اجتماعی و اعتماد در بین شهروندان، برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل بین افراد جامعه، تقویت نهادهای دموکراتیک و کارآمدتر و پاسخگوتر کردن این نهادها ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق شهروندی، سرمایه اجتماعی، شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه معماری و شهرسازی، تبریز- ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

اخلاق شهروندی، مجموعه‌ای از مبانی، معیارها و هنجارهایی است که بر رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است. بدون برخورداری از حقوق شهروندی، اخلاق شهروندی وجود عینی ندارد. حقوق شهروندی، مجموعه حقوق و آزادی‌هایی است که دولت در درون مرزهای خود به موجب قوانین داخلی متعهد می‌شود که برای شهروندانش به عنوان یک امتیاز به رسمیت بشناسد. اخلاق شهروندی به عنوان یک متغیر اجتماعی با عوامل مختلفی در ارتباط است که برخی از این عوامل می‌توانند در ارتقای اخلاق شهروندان نقش موثری داشته باشند. یکی از عوامل مهم، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن می‌باشد. سرمایه اجتماعی در کنش و واکنش اجتماعی افراد، در شبکه‌ها و در ساختار اجتماعی مستقر مندرج و مزوج شده است. مقوله شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و هم‌چنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی، از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف، نقش موثری، در ارتقا شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. پژوهش‌های انجام گرفته در کشور حاکی از آن است که میزان آشنایی شهروندان با حقوق شهروندی در بین اقشار مختلف مردم متفاوت و به میزان متوسط و حتی رو به پایین است (۲۲). آگاهی و آشنایی افراد از حقوق شهروندی نخستین عامل در جهت تسهیل ارتباط صحیح ملت و دولت و روابط متقابل و تعاملات اجتماعی افراد در جامعه است و بدون آگاهی، هیچ تغییری در این زمینه مشاهده نخواهد شد و شرایط مناسب برای مشارکت افراد در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش فراهم نخواهد شد. اخلاق شهروندی بدون داشتن حقوق شهروندی قابل تصور نیست. حقوق شهروندی، آن بخش از حقوق اساسی می‌باشد که رنگ تعلق و وابستگی ملی به خود گرفته است در واقع نگرش به حقوق شهروندی، مجموعه حقوق و آزادی‌هایی است که دولت در درون مرزهای خود به موجب قوانین داخلی متعهد می‌شود که برای شهروندانش به عنوان یک امتیاز به رسمیت بشناسد. حقوق شهروندی، حقوق انسان به دلیل زندگی در اجتماع معین است و با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند متفاوت باشد (۲). اما نگرش به حقوق شهروندی، علاوه بر منابع، نیازمند بستری مناسب است که در آن جامعه مدنی قدرت‌مند، حضور مردم در عرصه‌های عمومی فعال و به تبع آن‌ها تمام ارکان جامعه در سرنوشت خویش سهیم باشند. وجود و فعالیت تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی میانی زمینه لازم را برای رشد آگاهی از حقوق شهروندی فراهم می‌سازد. هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی- سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت

می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا، وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن را می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و بر اساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (۶). تبریز که یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است؛ بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۵۵۸۶۹۳ نفر، چهارمین شهر بزرگ ایران پس از شهرهای تهران، مشهد و اصفهان محسوب می‌گردد. مشارکت و اعتماد جوهر اخلاق شهروندی و از شرایط توسعه شهری قلمداد می‌شود و برنامه‌ریزی حوزه‌ای است که نیازمند مشارکت و اعتماد است. یکی از اصول برنامه‌ریزی، توجه به اعتماد و مشارکت فعال و اثربخش همه‌جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه شهری می‌باشد. در تحقیق حاضر به رابطه اخلاق شهروندی و ابعادی از سرمایه اجتماعی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز پرداخته شده است. هدف کلی مطالعه، تعیین رابطه اخلاق شهروندی، مشارکت اجتماعی و اعتماد در بین شهروندان تبریز می‌باشد.

مبانی نظری شهروندی

شهروندی، آن بخش از حقوق اساسی می‌باشد که رنگ تعلق و وابستگی ملی به خود گرفته است، در واقع شهروندی، مجموعه حقوق و آزادی‌هایی است که دولت در درون مرزهای خود به موجب قوانین داخلی متعهد می‌شود که برای شهروندانش به عنوان یک امتیاز به رسمیت بشناسد. حقوق شهروندی، حقوق انسان به دلیل زندگی در اجتماع معین است و با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند متفاوت باشد (۲). حقوق شهروندی، علاوه بر منابع، نیازمند بستری مناسب است که در آن جامعه مدنی قدرت‌مند، حضور مردم در عرصه‌های عمومی فعال و به تبع آن‌ها تمام ارکان جامعه در سرنوشت خویش سهیم هستند. وجود و فعالیت تشکلهای و نهادهای اجتماعی میانی زمینه لازم را برای رشد آگاهی از حقوق و به ویژه وظایف شهروندی فراهم می‌سازد. افزون بر آن، شهروندی در جامعه‌ای به منصفه ظهور می‌رسد که افراد، نگرش مثبت به مشارکت داشته باشند. بنابراین شهروندی، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است، فعالیت‌هایی که اگر چه فردی باشند، اما برآیند آن، به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. نگرش به شهروندی، از جمله مفاهیم نوپدید است که به طور ویژه‌ای، به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و هم‌چنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی، از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن این که شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و

در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف، نقش موثری، در ارتقا شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. بر این اساس، آموزش حقوق شهروندی، همانا نهادینه‌سازی نظامی از حق‌ها و تکلیف‌های متناسب با شهروندی، مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسانی است (۱۵). مفهوم «شهروندی» علاوه بر زمینه‌های سیاسی، بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسایل سنتی نظری جامعه‌شناسی، مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. اخلاق مدنی، هم‌چنین مستقیماً با تغییرات هویتی و تصوراتی مرتبط است که شهروندان نسبت به خود و دیگر شهروندان دارند و شهروندی اجتماعی با اتکاء به آن دسته اصول اخلاقی شکوفا می‌گردد که مشوق احساس برادری، هم‌نوعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری است (۵). در جامعه امروزی، شهروندی یکی از نیازهای اساسی و ضروری جوامع انسانی است چرا که اجزای تشکیل دهنده‌اش یعنی، حقوق، مسئولیت و مشارکت سیاسی برای اداره امور انسان ضروری هستند و کشوری به درجه بالایی از توسعه خواهد رسید که حقوق و وظایف شهروندی را فراگیر نماید. بنابراین برای تحقق کامل جامعه مدنی نیاز به شهروند آگاه و آشنا و عقلانی و مسئولیت‌پذیر می‌باشد. پژوهش‌های انجام گرفته در کشور ایران حاکی از آن است که میزان آشنایی شهروندان با حقوق و وظایف شهروندی در بین اقشار مختلف مردم متفاوت و به میزان متوسط و رو به پایین است (۱). اما از سوی دیگر از نظر برخی صاحب‌نظران علوم اجتماعی، حقوق شهروندی در نتیجه مبارزات حرکت‌های اجتماعی ظهور نموده است و توسعه می‌یابد. برخی دیگر به نقش اندیشه و افکار، زمینه‌ها و شرایط اجتماعی، ارتباطات معتقد هستند. آن چه مسلم است توسعه حقوق شهروندی در اجتماعاتی که هنوز این موضوع در مراحل تکوین خود قرار دارد مستلزم توسعه آگاهی افراد جامعه به عنوان عاملی بنیادین است، آگاهی و آشنایی افراد از حقوق شهروندی نخستین عامل از تسهیل ارتباط صحیح ملت و دولت و روابط متقابل و تعاملات اجتماعی افراد در جامعه است و بدون آگاهی، هیچ تغییری در این زمینه مشاهده نخواهد شد و شرایط مناسب برای مشارکت افراد در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش فراهم نمی‌شود. مادامی که میزان آشنایی افراد یک جامعه از حقوق شهروندی خود در ابعاد مدنی، اجتماعی و سیاسی در سطح مناسبی نباشد، نه توانایی و پشتوانه‌ای نظری جهت مشارکت فعال در امور مختلف جامعه خواهند داشت و نه قدرت ابلاغ خواسته‌های عمومی خود به حاکمیت سیاسی را دارند (۱۲). هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنای، وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به زعم هابرماس، شهروندی

تنها در نظام حقوقی مدرن قابل شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن را می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و بر اساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (۳). دارندروف، شهروندی را در رابطه با محرومیت اجتماعی مورد توجه قرار داده است. به نظر این جامعه‌شناس در حیات اجتماعی و واحدهای اجتماعی موقعیت‌ها و نقش‌هایی وجود دارند که با مجموعه ارزش‌ها و هنجارها، حقوق و تکالیف و ضمانت اجرایی آن‌ها مشخص می‌شوند. در این جریان، سلسله مراتب و موقعیت‌های بالاتر و پایین‌تر پدید می‌آید که زمینه‌ساز تنش و تعارض است. به بیان دیگر، سلسله مراتبی از صاحبان و تابعان اقتدار در ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد که زمینه نابرابری را به وجود می‌آورد. سه عامل تعیین کننده شدت تضاد، میزان محرومیت، میزان مقاومت در برابر تغییر و تراکم یا انباشت تضاد عناصر اصلی حل تعارض محسوب می‌شوند (۱). از نظر دارندروف در تاریخ مدرن هیچ ایده اجتماعی‌ای از شهروندی وجود ندارد، چرا که برای قرن‌ها موتور حرکت گروه‌های اجتماعی بوده است. امروزه، نمی‌توان تصویر پویایی از شهروندی در جامعه مدرن یافت، چون ایده شهروندی به تمام مفاهیم مدرنیته پیوند خورده و نقش شهروند را به عنوان مجموعه حقوق برابر اولیه یا اساسی مشارکت برای اعضای کامل اجتماع تعریف می‌کند. پارسونز، شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسد و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از حقوق شهروندی ندارند (۸). یک شهروندی کامل به دور از هر گونه تبعیض اجتماعی به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین آگاهی و آشنایی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است (۲۳).

سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد

بوردیو، سرمایه اجتماعی را شامل روابط اجتماعی می‌داند که یک فرد می‌تواند برای دسترسی به منابع کسانی که با آن‌ها در ارتباط است، استفاده کند. وی معتقد است که شبکه تماس‌های اجتماعی، به خودی خود ایجاد نمی‌شود، بلکه همانند سرمایه انسانی یا فیزیکی، محصول استراتژی‌های کاربردی و برنامه‌ریزی شده سرمایه‌گذاری است. تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی نیازمند یک تلاش یا سرمایه‌گذاری دائمی در زمینه جامعه‌پذیری است. رابرت پاتنام، با بررسی‌ای که در مناطق مختلف ایتالیا از حیث میزان سرمایه اجتماعی در شکل‌های میزان مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی و هنجارها و ارزش‌های سودمند انجام داد، این نظریه را طرح کرد که بین میزان سرمایه اجتماعی و سطح توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی آن منطقه

ارتباط متقابلی وجود دارد (۱۸). از نظر پاتنام منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت کننده‌اند و به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شوند؛ بر عکس فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیرمدنی منجر به عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، حيله، بهره‌کشی و انزوا و رکود می‌شود. وی اعتماد، هنجارها، و شبکه‌ها را ویژگی‌های اصلی سازمان اجتماعی تعریف می‌کند و معتقد است این عوامل بهره‌وری سیستم را افزایش می‌دهد. به عبارتی دیگر «سرمایه اجتماعی به خصوصياتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید» (۱۶). وی مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت نهادهای اقتصادی می‌پردازد. در تأیید این مهم باید به کتاب «بولینگ یک نفره» اشاره کرد که پاتنام در این کتاب به بررسی و مطالعه اجتماع و سرمایه اجتماعی در چند ایالت در آمریکا پرداخته است و نهایتاً استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی در ایالات متحده کاهش یافته است (۱۴). پاتنام بیان می‌کند که ایده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی بیشتر مردم را به همکاری و اعتمادپذیری در برخوردهای-شان تشویق می‌کند. پاتنام معتقد است که شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای مستحکم رابطه متقابل را تقویت می‌کند. به عبارتی شبکه‌های اجتماعی همکاری و ارتباط را تسهیل می‌کند و اطلاعات موجود درباره اعتمادپذیری افراد دیگر را تقویت می‌نماید (۲۵). پاتنام اعتماد را یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی می‌داند و اظهار می‌دارد که در مناطق مدنی ایتالیا (شمال) اعتماد اجتماعی مدت‌های مدید، یکی از عناصر کلیدی اخلاقیات عمومی بوده که باعث تقویت پویای اقتصاد و عملکرد حکومت شده است. همکاری بین قوه مقننه و مجریه، بین کارگر و کارفرما، بین احزاب سیاسی، بین حکومت و گروه‌های خصوصی اغلب ضروری می‌باشند. اما قرارداد و نظارت در این موارد اغلب پر هزینه و یا غیر ممکن است. اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند (۹). به نظر کلمن سرمایه اجتماعی ترکیبی از ساختارهای اجتماعی است که تسهیل کننده کنش‌های معینی از کنشگران در درون این ساختارهاست. سرمایه اجتماعی مانند دیگر اشکال سرمایه مولا است که بدون آن نیل به برخی از اهداف میسر نیست. به نظر او سرمایه اجتماعی منبعی برای کنش افراد است (۱). منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، مشارکت و انسجام است که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، موجب پویایی جامعه مدنی و ایجاد حکمرانی خوب شود. مؤلفه مذکور در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت کننده دیگری می‌باشد. سرمایه اجتماعی در ابعاد کلان آن مدنظر است به این معنا که برای سنجش آن بر روابط بیرونی یا خارجی در درون ساختارهای رسمی و سلسله‌مراتبی

تأکید می‌شود. مؤلفه‌های مفهوم سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، مشارکت و انسجام است که تعریفی از آن‌ها ارائه می‌شود. اعتماد یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی است. شایع‌ترین اشکال سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، سرمایه‌هایی هستند که آلبرت هیرشمن آن‌ها را «منابع اخلاقی» می‌نامند، یعنی منابعی که ذخیره‌شان هنگام استفاده به جای کاهش، افزایش می‌یابد و در صورت عدم استفاده کاهش می‌یابند (۱۷). دسته‌بندی‌های متفاوتی در خصوص اعتماد وجود دارد. در یک دسته‌بندی اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و غیرشخصی تقسیم شده است. اعتماد به دو صورت شخصی و نهادی وجود دارد. اعتماد نهادی بدین معنی است که فرد عقیده دارد ساختارهای نهاد در جایگاهی هستند که شخص را قادر به محقق ساختن آینده موفقیت‌آمیز می‌کنند. اعتماد نهادی دو شکل را در بر می‌گیرد: هنجارهای موقعیتی و اطمینان ساختاری. هنجار موقعیتی از ظاهر ریشه می‌گیرد، به طوری که اشیا و چیزها طبیعی و عادی هستند یا این که هر چیز در جایگاه مناسب خودش قرار دارد. از طرف دیگر اعتماد ساختاری بیان می‌کند که موفقیت احتمالی است، چون شرایط زمینه‌ای مانند قول و قرارها، عهد و پیمان‌ها، قواعد و ضمانت‌ها و اعتماد ساختاری در محل هستند.

پیشینه تحقیق

کریم‌پور و همکاران (۱۱)، در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط بر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حقوق شهروندی در بین دانش‌آموزان پسرانه دوره دوم متوسطه دزفول پرداخته‌اند. نتایج یافته‌ها نشان داد که بین پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مثبت معناداری وجود ندارد، در حالی که بین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد به رسانه‌های جمعی و استفاده از رسانه‌های جمعی با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون چندگانه به روش همزمان نشان داد که ۳۲ درصد تغییرات میزان آگاهی از حقوق شهروندی مربوط به عوامل اجتماعی است، به طوری که استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد به رسانه‌های جمعی و اعتماد اجتماعی بیشترین سهم را در تغییرات آگاهی از حقوق شهروندی دانش‌آموزان شهر دزفول دارند.

مقدم و اجاری و جانی‌پور (۱۳)، تحقیقی را با عنوان بررسی رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از نگرش به حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، تحصیلات، تعهدات شهروندی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد، یعنی با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان تحصیلات، آگاهی از قوانین، تعهدات شهروندی و همچنین بالا رفتن پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد، میزان آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان نیز افزایش پیدا می‌کند. بین جنس و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین پنج متغیر (تحصیلات،

پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، تعهدات شهروندی و آگاهی از قوانین یا سواد حقوقی) وارد شده در مدل رگرسیونی تحقیق، ۳۰ درصد از تغییرات آگاهی از حقوق شهروندان را تبیین کرده‌اند.

نتایج تحقیق شارع‌پور و شعبانی (۲۱)، با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری» حاکی از متوسط بودن میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری است که سهم آگاهی مردان بیشتر از زنان می‌باشد. متغیر رسانه‌های جمعی و مشارکت در نهادهای مدنی معنادار بوده و رسانه‌های جمعی، مهم‌ترین تبیین‌کننده آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری می‌باشد. متغیرهای زمینه‌ای (گروه‌های سنی، سمت در خانوار، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت) معنادار می‌باشند و تطابق یافته‌های این متغیرها دلالت بر ضعف آگاهی در میان جوانان است.

سام‌آرام و برزگر پاریزی (۲۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی احساس برخورداری از نگرش به حقوق شهروندی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در بین جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهر سیرجان» نشان می‌دهند که احساس برخورداری از حقوق شهروندی در بین جوانان در سطح متوسط است و همچنین میزان حضور فرد در حوزه عمومی، نوع جامعه‌پذیری فرد در خانواده و میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی بر احساس برخورداری از حقوق شهروندی جوانان تاثیرگذارند.

حسینی و همکاران (۱۰)، پژوهشی را با عنوان ارزیابی میزان آگاهی از نگرش به حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه بوکان انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نسبت به میانگین جامعه در سطح پایینی قرار دارد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان بر حسب جنسیت و سطح تحصیلات تفاوت معناداری ندارد.

مهدوی و عاشوری (۶)، در تحقیقی به بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر) پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، مسئولیت‌پذیری و رسانه بر ارتقای فرهنگ شهروندی تاثیر دارند. همچنین متغیرهای قانون‌مداری، منافع جمعی، عام‌گرایی، دسترسی به مراکز فرهنگی، درآمد و مسکن رابطه معنی‌داری را با متغیر وابسته نشان ندادند.

فتحی و مطلق (۴)، در تحقیقی به بررسی عوامل موثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد میزان آگاهی از حقوق شهروندی دانشجویان در سطح پایینی نسبت به جامعه قرار دارد. همچنین حقوق شهروندی با توجه به میزان سن آنان متفاوت بود.

زیاری و همکارانش (۲۶)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهروندی» نشان دادند که میزان آگاهی جامعه آماری پیرانشهر در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری در سطح پایینی است و شاخص مذکور (آگاهی) با شغل افراد ارتباط معناداری دارد، اما تحصیلات دانشگاهی افراد بر این شاخص تاثیر خاصی نداشته است. مجموعه

این عوامل نشانگر آن است که بیشتر افراد آگاه به صورت تجربی و در جریان درگیری‌های حقوقی با بخش‌های مختلف شهرداری، یا در اثر فعالیت در مشاغل مرتبط با امور شهری، آگاهی لازم را به دست آورده‌اند. سحابی و همکاران (۱۹)، تحقیقی را با عنوان بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در بین شهروندان ساکن سنج و عوامل موثر بر آن انجام داده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بین متغیرهای جنسیت، میزان تحصیلات، میزان سن، عضویت در انجمن‌ها و نوع مطالعه با میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در بین شهروندان تفاوت جود دارد. ولی بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان کسانی که از ماهواره استفاده می‌کنند با آن‌هایی که از آن استفاده نمی‌کنند تفاوت معناداری وجود ندارد و بین میزان آگاهی از حقوق اجتماعی و مدنی شهروندان در میان کسانی که از ماهواره استفاده می‌کنند با آن‌هایی که استفاده نمی‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش هزارجریبی و امانیان (۹)، در مورد آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن نشان می‌دهد که میزان حضور در عرصه عمومی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به حقوق شهروندی با میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی ارتباط معناداری داشته‌اند. هاشمیان‌فر و همکاران (۷)، در مطالعه خود با عنوان مطالعه تاثیر رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی بر میزان آگاهی از نگرش به حقوق شهروندی، بیان کردند که بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی (و ابعاد آن یعنی حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی) رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد.

برون و کریستینسن در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری‌های شهری و حق نسبت به شهر: حقوق وظایف و شهروندی» معتقدند اهمیت شهروندی شهری در این است که برخلاف شهروندی دولت-ملت که کاملاً سیاسی و فقط شامل بومی‌ها آن هم با تعلقات ملی می‌شود، شهروندی شهری شامل تمام افرادی است که فارغ از بومی بودن، بومی نبودن و اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، زبانی، تاریخی، ساکن شهر هستند. آنان از حقوق و وظایف برابر در شهر برخوردارند. بر این اساس حس تعلق به شهر و مسئولیت در برابر آن؛ داشتن حق و مسئولیت متقابل نسبت به هم و به شهر شورای شهر و شهرداری؛ داشتن هویت مشترک شهری از محل زندگی به عنوان محور تمام فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها و مشارکت جدی در تمام صحنه‌های زندگی شهری است.

فرضیه‌ها

۱. بین اخلاق شهروندی و میزان مشارکت اجتماعی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز رابطه وجود دارد.
۲. بین اخلاق شهروندی و میزان اعتماد نهادی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز رابطه وجود دارد.
۳. اخلاق شهروندی بر حسب سطح تحصیلات در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز متفاوت است.
۴. اخلاق شهروندی بر حسب نوع شغل در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز متفاوت است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی و از نظر زمان یک بررسی مقطعی بود. روش جمع-آوری داده‌ها، پیمایش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز با ۶۴۰۰۰ خانوار و با جمعیت ۲۵۱۳۴۸ و مساحت ۶۴۳۰/۷۳ هکتار بود. بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه برابر ۳۳۰ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی سیستماتیک انجام شد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

اخلاق شهروندی

اخلاق شهروندی، مجموعه‌ای از مبانی، معیارها، بایدها و نبایدها و هنجارهایی است که بر رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است. اخلاق شهروندی را می‌توان مجموعه‌ای از قوانین و عرف‌های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند در شهرهای بزرگ و متوسط هم چنین در شهرهای کوچک، به دست‌اندرکاران و ساکنان این شهرها امکان زندگی هماهنگ و بدون تنش را فراهم کنند، چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و برای توسعه پایدار یعنی نیل به موقعیت‌های مناسب و از میان برداشتن موقعیت‌های تنش‌زای کنونی، برای نسل‌های آینده شرایط مناسبی را به وجود آورند (۳). این سازه با تعدادی از ابعاد اخلاق شهروندی و از طریق معرف‌های زیر مورد سنجش قرار گرفت: رعایت نظم، احساس تعلق به شهر، فعالیت داوطلبانه در انجمن‌ها، تعهد به قانون، امانت‌داری.

اعتماد نهادی

اعتماد نهادی مبین اعتماد بین افراد و مقررات اجتماعی غیرشخصی می‌باشد. اعتماد نهادی در تغییر جهت از کنترل سازمان از سطح فردی به سطح تصمیمات جمعی، ریشه دارد. این شکل از اعتماد در جایی نمایان می‌شود که یک عامل اجتماعی از طریق ترتیبات نهادی خاصی، یک تعهد مقدماتی در خصوص بنیان‌گذاری مجموعه‌ای از مبانی مشترک و مقررات هنجاری مربوط به رفتار درون سازمان‌ها، به عامل دیگر می‌دهد. ویژگی‌های سیستم‌های کسب و کار ملی و یا منطقه‌ای که سازمان‌ها در درون آن‌ها فعالیت می‌کنند، اثر شدیدی بر کیفیت روابط بین سازمانی بر جای می‌گذارد (۲۴). جهت اندازه‌گیری این سازه سوالی با عنوان «تا چه اندازه به عملکرد نهادها و ارگان‌های اداری زیر اعتماد دارید؟» طرح گردید: صدا و سیما، کمیته امداد، قوه قضاییه، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و دولت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های محقق ساخته بود. برای بررسی اعتبار پرسشنامه‌ها، از اعتبار صوری و برای تعیین میزان پایایی آن‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد نهادی و اخلاق شهروندی به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۹۰، ۰/۹۱ است که نشان می‌دهد ابزارها از پایایی مناسب برخوردار بودند.

یافته‌های تحقیق

با توجه به اطلاعات به دست آمده، بیشترین فراوانی در بین نمونه‌های تحقیق از نظر تحصیلات شامل افراد با سطح تحصیلات کارشناسی ۳۰/۲ درصد و دیپلم ۲۹/۶ درصد بود و افراد با سطح تحصیلات دکتری با ۳ درصد کمترین درصد فراوانی را داشتند. از نظر وضعیت شغلی، افراد دارای شغل‌های آزاد ۵۰ درصد و کارمند ۲۵/۴ درصد پاسخگویان را تشکیل داده‌اند و کمتر از ۲ درصد دانشجوی کار بوده‌اند. میانگین سنی، ۴۲ سال بوده است. حداقل سن پاسخگو ۱۸ ساله و حداکثر ۷۹ سال بود. میانگین اخلاق شهروندی در بین نمونه‌های تحقیق ۸۶/۵ درصد به دست آمد. میانگین مشارکت اجتماعی در بین نمونه‌های تحقیق ۷۸/۲، کمترین ۱۵ و بیشترین ۱۰۰ و میانگین وضعیت اعتماد نهادی، ۵۱/۹ درصد به دست آمد.

- جهت آزمون تفاوت اخلاق شهروندی بر حسب سطح تحصیلات در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز، از آزمون آنالیز واریانس استفاده گردید. اطلاعات به دست آمده سطح معناداری ۰/۵۸ را نشان داد. بنابراین تفاوت معناداری در اخلاق شهروندی شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز، با توجه به سطح تحصیلات آن‌ها ملاحظه نشد.

جدول شماره (۱): مقایسه توصیفی میانگین اخلاق شهروندی بر اساس سطح تحصیلات

متغیر	تحصیلات	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
اخلاق شهروندی	زیر دیپلم	۸۲/۶	۸۲/۳	۴/۰۸
	دیپلم	۸۵/۸	۲۳/۰۵	۲/۳
	کاردانی	۸۸/۰۳	۲۳/۸۱	۴/۱۴
	کارشناسی	۸۶/۴۷	۲۳/۶۵	۲/۳۴
	ارشد	۸۹/۱۱	۱۹/۶۳	۲/۹۲
	دکتر	۹۶	۳/۱۶	۱

جدول شماره (۲): آزمون تحلیل واریانس اخلاق شهروندی بر حسب تحصیلات

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
سطح تحصیلات	بین گروه‌ها	۲۵۶/۲۰۵۷	۵	۴۵۱/۴۱۱		
	درون گروه‌ها	۰۵۵/۱۸۲۰۳۳	۳۳۲	۲۹۲/۵۴۸	۷۵/۰	۵۸۶/۰
	کل	۳۱۱/۱۸۴۰۹۰	۳۳۷			

- نتایج آزمون شهروندی تفاوت اخلاق بر حسب نوع شغل در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز ارائه گردیده است و همان طور که ملاحظه می‌شود سطح معناداری ۰/۲ به دست آمد. بنابراین تفاوت معناداری بین اخلاق شهروندی بر اساس شغل در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز به دست نیامد.

جدول شماره (۳): مقایسه توصیفی میانگین اخلاق شهروندی بر اساس نوع شغل

متغیر	نوع شغل	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
اخلاق شهروندی	دانشجو	۹۸/۷۵	۲/۵	۱/۲۵
	خانه دار	۹۳/۳۳	۶/۴۱	۱/۵۱
	کارمند	۸۹/۷۶	۲۱/۹۳	۲/۳۶
	متخصص	۹۰	۱۴/۰۷	۲/۷۰
	آزاد	۸۳/۱۶	۲۶/۳۷	۲/۰۲
	بازنشسته	۹۱/۹۱	۲۵/۷۱	۵/۳۶
	کارگر	۹۴/۳۷	۸/۶۳	۳/۰۵
	در جستجوی کار	۹۰	۰	۰

جدول شماره (۴): مقایسه توصیفی میانگین اخلاق شهروندی بر اساس نوع شغل

متغیر	نوع شغل	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
اخلاق شهروندی	دانشجو	۹۸/۷۵	۲/۵	۱/۲۵
	خانه دار	۹۳/۳۳	۶/۴۱	۱/۵۱
	کارمند	۸۹/۷۶	۲۱/۹۳	۲/۳۶
	متخصص	۹۰	۱۴/۰۷	۲/۷۰
	آزاد	۸۳/۱۶	۲۶/۳۷	۲/۰۲
	بازنشسته	۸۳/۹۱	۲۵/۷۱	۵/۳۶
	کارگر	۹۴/۳۷	۸/۶۳	۳/۰۵
	در جستجوی کار	۹۰	۰	۰

جدول شماره (۵): آزمون تحلیل واریانس اخلاق شهروندی بر حسب نوع شغل

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
نوع شغل	بین گروه‌ها	۵۲۳۰/۵۹۸	۷	۲۲۸/۷۴۷		
	درون گروه‌ها	۱۶۱۱/۱۷۸۶۶۵	۳۲۸	۷۱۱/۵۴۴	۳۷۲/۱	۲۱۶۰
	کل	۱۸۳۸۹۵	۳۳۵			

- جهت آزمون رابطه بین اخلاق شهروندی و میزان سرمایه اجتماعی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. همان گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، سطح معناداری ۰/۰۴ به دست آمد. بنابراین بین اخلاق شهروندی و میزان سرمایه اجتماعی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز، رابطه معناداری وجود داشت.

جدول شماره (۶): ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین اخلاق شهروندی و میزان سرمایه اجتماعی

متغیر	اخلاق شهروندی
ضریب همبستگی	۰/۵۴
سرمایه اجتماعی	سطح معناداری ۰/۰۴
	تعداد پاسخگویان ۳۳۸

- جهت آزمون رابطه بین اخلاق شهروندی و میزان مشارکت اجتماعی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. با توجه به اطلاعات، سطح معناداری ۰/۰۳ به دست آمد. بنابراین بین اخلاق شهروندی و میزان مشارکت اجتماعی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز رابطه معنادار به دست آمد.

جدول شماره (۷): ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین اخلاق شهروندی و میزان مشارکت اجتماعی

متغیر	اخلاق شهروندی
ضریب همبستگی	۰/۲۴
مشارکت اجتماعی	سطح معناداری ۰/۰۳
	تعداد پاسخگویان ۳۳۸

در آزمون رابطه بین اخلاق شهروندی و میزان اعتماد نهادی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز سطح معناداری ۰/۰۳ به دست آمد. به این معنا که بین اخلاق شهروندی و میزان اعتماد نهادی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره (۸): ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین اخلاق شهروندی و میزان اعتماد نهادی

متغیر	اخلاق شهروندی
ضریب همبستگی	۰/۶
اعتماد نهادی	سطح معناداری ۰/۰۳
	تعداد پاسخگویان ۳۳۸

بحث و نتیجه‌گیری

اخلاق شهروندی، مجموعه‌ای از مبانی، معیارها، بایدها، نبایدها و هنجارهایی است که بر رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است. مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه اخلاق شهروندی و سرمایه اجتماعی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز به انجام رسیده است. شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف، نقش موثری، در ارتقا شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. بر این اساس، آموزش حقوق شهروندی، همانا نهادینه‌سازی نظامی از حق‌ها و تکالیف‌های متناسب با شهروندی، مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسانی است. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، بین اخلاق شهروندی و میزان مشارکت اجتماعی و اعتماد در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز رابطه معنادار وجود داشت. جهت مقایسه یافته‌های تحقیق حاضر با یافته‌های سایر تحقیقات انجام گرفته، به تعدادی از تحقیقات استناد می‌کنیم: کریم‌پور و همکاران (۱۱)، در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط بر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حقوق شهروندی در بین دانش‌آموزان پسرانه دوره دوم متوسطه دزفول پرداخته‌اند. نتایج یافته‌ها نشان داد که بین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد به رسانه‌های جمعی و استفاده از رسانه‌های جمعی با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مثبت معناداری وجود داشت. همچنین نتایج رگرسیون چندگانه به روش همزمان نشان داد که ۳۲ درصد تغییرات میزان آگاهی از حقوق شهروندی مربوط به عوامل اجتماعی است، به طوری که استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد به رسانه‌های جمعی و اعتماد اجتماعی بیشترین سهم را در تغییرات آگاهی از حقوق شهروندی دانش‌آموزان شهر دزفول داشتند. مقدم و اجاری و جانی‌پور (۱۳)، تحقیقی را با عنوان بررسی رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از نگرش به حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین تحصیلات، تعهدات شهروندی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مستقیم معناداری وجود داشت، یعنی با افزایش میزان تحصیلات، آگاهی از قوانین، تعهدات شهروندی، میزان آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین پنج متغیر تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، تعهدات شهروندی و آگاهی از قوانین یا سواد حقوقی وارد شده در مدل رگرسیونی تحقیق، ۳۰ درصد از تغییرات آگاهی از حقوق شهروندان را تبیین کرده‌اند. یافته‌های تحقیق مهدوی و عاشوری (۶)، نشان داد میزان آگاهی از حقوق شهروندان در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نسبت به میانگین جامعه در سطح پایینی قرار دارد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان بر حسب جنسیت و سطح تحصیلات تفاوت معناداری ندارد. سحابی و همکاران (۱۹)، تحقیقی را با عنوان بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در بین شهروندان ساکن سنندج و عوامل موثر بر آن انجام داده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که بین متغیرهای جنسیت، میزان تحصیلات، میزان سن، عضویت در انجمن‌ها و

نوع مطالعه با میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در بین شهروندان تفاوت وجود داشت. در تبیین یافته‌های تحقیق باید گفت بر اساس نظریات سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد موجب می‌شود تا همکاری و تعامل میان اعضای گروه‌های اجتماعی به سهولت انجام گرفته و هزینه‌های همکاری کاهش یابد. سرمایه اجتماعی عنصری مطلوب برای انجام همکاری‌های درون گروهی است و هر چه میزان آن بالاتر باشد دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی‌هایی مانند اعتماد و هنجارهای مشوق مشارکت، سرمایه اجتماعی به اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد، به برقراری نظام‌های نظارتی بستگی خواهد داشت و کنترل پرهزینه خواهد شد. وجود سرمایه اجتماعی به میزان کافی و مناسب سبب برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل شده و هزینه تعاملات و همکاری‌های گروهی کاهش می‌یابد و در نتیجه عملکرد گروه بهبود می‌یابد. در این شرایط است که حقوق شهروندی افراد جامعه مورد توجه قرار گرفته و تحقق می‌یابد. پس هر چه سرمایه اجتماعی در گروه بیشتر، هزینه همکاری و تعامل کمتر و در نتیجه عملکرد و دستیابی به اهداف بیشتر خواهد بود. هر چه سرمایه اجتماعی در گروه کمتر، هزینه همکاری و تعامل بیشتر، در نتیجه عملکرد و دستیابی به اهداف نیز کمتر خواهد بود. از نگاه پاتنام سرمایه اجتماعی جامعه موجب می‌شود تا نهادهای دموکراتیک وظایف خود را به شایستگی انجام دهند و حقوق شهروندی در جامعه رعایت گردد. از نظر فوکویاما وجود سرمایه اجتماعی، نظم اجتماعی را به طریق مؤثر و کارآمدی حفظ و تداوم می‌بخشد. یکی از کارکردهای سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی است. سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا اعضای گروه هنجارهای حاکم را رعایت کرده و نظم لازم را برای فعالیت‌های گروه تأمین کنند و سبب نظم، تشویق اطاعت‌پذیری در افراد تحت امر می‌شود. سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا سازمان‌های دموکراتیک کارآمدتر و پاسخگوتر باشند. در مقابل، هر گاه سرمایه اجتماعی در جامعه کمتر باشد، سازمان‌های دموکراتیک در جامعه کارآمدی پایین خواهند داشت و حقوق شهروندی نیز به تبع این وضعیت، چندان تحقق عینی نخواهد داشت. با توجه به نتایج تحقیق که بین اخلاق شهروندی و میزان سرمایه اجتماعی در بین شهروندان منطقه سه شهرداری تبریز رابطه معنادار وجود داشت، به منظور تقویت و ارتقای حقوق شهروندی پیشنهاد می‌شود:

- تقویت همکاری و تعامل بیشتر میان اعضای گروه‌های اجتماعی
- برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل بین افراد جامعه
- ایجاد و تقویت نهادهای دموکراتیک و مشارکتی، کارآمدتر و پاسخگوتر کردن سازمان‌های دموکراتیک و مردم نهاد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Azkia, Mustafa & Ghaffari, Gholamreza. (2010). Contemporary Social Theories, Tehran, Published by: Nay.
2. Baghestani Barzaki, Houria. (2008). Investigating the Impact of Citizens' Awareness of Attitudes Towards Citizenship Rights on the Development of Active Citizenship and Accountability and Transparency of Tehran Municipality, Unpublished Master Thesis, Department of Urban Affairs Management, University of Tehran.
3. Fakouhi, Nasser. (2009). Strengthening Citizenship Ethics: A Way to Transition to Participatory Democracy, Social Studies of Iran, Third Year Summer No. 2 (6 in a row).
4. Fathi, Marzieh & Motlagh, Masoumeh. (2014). A Survey of Factors Affecting the Awareness of Attitudes Towards Citizenship Rights among Students of Kurdistan University in 1993-94, First National Conference on Urban Planning, Urban Management and Sustainable Development, Tehran, Iranian Institute, Iranian Architecture Association.
5. Gholami Zarini, Mohsen & Gholami, Hossein. (2011). Citizenship rights in the process of criminal justice in Iran, Quarterly Journal of Disciplinary Knowledge, Year 13, Issue 3.
6. Hajzadeh and Mansouri. (2013). Assessing public awareness of attitudes toward citizenship rights in North Khorasan Province. Sociological Studies of Youth, Fourth Year, No. 12, P.p: 76-57.
7. Hashemianfar, A.; Hejazi, S. N.; Arezi, M.; Heydarkhani, H. (2014). A Study on the Effect of Domestic and Foreign Mass Media on the Rate of Awareness of Citizenship Rights. International Journal of Social Sciences (IJSS). Vol. 4, No. 1, P.p: 11-18.
8. Hesam, Farahnaz. (2002). Citizenship Identity, Municipalities Monthly, Fifth Year, No. 51, P.p: 13-11.
9. Hezar Jaribi, Jafar & Amanian, Abolfazl. (2011). Women's Awareness of Citizenship Rights and Factors Affecting It, Urban and Regional Studies and Research, Third Year, No. 9, P.p: 1-18.
10. Hosseini, Mohammad & Sanaati, Rahim & Hosseini, Fariba. (2015). Assessing Awareness of Citizenship Attitudes Among Buchanan University Students, International Conference on Management and Social Sciences.
11. Karimpour, Mohsen & Karimpour, Ali Akbar & Delphi, Hamid & Khodamradi, Mohammad. (2017). A Study of Social Factors Related to Students' Awareness of Citizenship Rights among Secondary School Boys in Dezful, Scientific Journal of Islamic Humanities, Third Year, No. 21, P.p: 54-63.
12. Mahdavi, Mohammad Sadegh & Ashuri, Ali. (2014). A Study of Social and Economic Factors Affecting the Promotion of Citizenship Culture (Case Study: Bushehr City), Iranian Journal of Social Development Studies, Year 6, Issue 4.
13. Moghadam Vajari, Yasman & Janipour, Mojtaba. (2017). Investigating the Relationship between Social Factors and Awareness of Laws and Awareness of Attitudes Towards Citizenship Rights among Rasht Citizens, Sociological Studies, Ninth Year, No. 34, P.p: 33-49.
14. Putnam, R. D. (1993). Making democracy work: Civic traditions in modern Italy. Princeton, N.J. Princeton University Press.
15. Putnam, Robert. (2001). Democracy and Civic Traditions, translated by Mohammad Taghi Delfruz, Tehran, Salam Newspaper Publications.

16. Putnam, Robert, D. (1999). *The Prosperous Community: Social Capital and Public Life, the American Prospect, Inc.*
17. Putnam, Robert. (2012). *Democracy and Civic Traditions*, translated by Mohammad Taghi Delfruz, Tehran. Sociologists Publications.
18. Safaeipour, Massoud; Mollai, Sajjad; Adinehvand, Ali Asghar. (2011). The concept of citizenship (challenges and legal obstacles ahead in Iran). *Book of Media and Citizenship Education Seminar, General Department of Citizenship Education of Tehran Municipality*, P.p: 8-24.
19. Sahabi, Jalil & Rezaei, Mehdi & Mohammadpour, Ahmad. (2013). Survey of awareness of citizenship rights and duties among citizens living in Sanandaj and the factors affecting it, the first national conference on integrated urban management and its role in sustainable development, Sanandaj, Islamic Azad University, Sanandaj Branch.
20. Sam Aram, Ezatullah; Barzegar Parizi, Fatemeh. (2015). Investigating the sense of citizenship rights and social factors affecting it among the youth of Sirjan, *Welfare Planning and Social Development*, Year 7, No. 27, P.p: 75-116.
21. Sharepour, Mahmoud and Shabani, Maryam. (2015). Sociological analysis of the level of awareness of citizens' attitudes toward citizenship towards urban affairs. *Social Development*, Tenth Year, No. 3, P.p: 29- 66.
22. Shiani, Maliheh. (2005). Citizenship and Participation in the Comprehensive Social Welfare System, *Social Welfare Quarterly*, Year 3, Issue 18, P.p: 9-24.
23. Shiani, Maliheh and Davoodvandi, Tahereh. (2010). An analysis of the extent of citizenship rights among students. *Social Welfare Planning Quarterly*, No. 5.
24. Sorge, Arndt. (1998). *Societal Effects in Cross-National Organizations: Conceptualizing Diversity in Actor and Systems*. London: Rutledge.
25. Tajbakhsh, Kian. (2005). *Social Capital, Trust, Democracy and Development*, translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan, Tehran, Shirazeh Publishing.
26. Ziari, Keramatullah & Sheikhi, Abdullah & Baqer Attaran, Marzieh and Kashfidoost, Diman. (2013). Assessing the public awareness of Piranshahr citizens about the attitude towards citizenship rights and urban laws. *Geographical Research in Urban Planning*, First Year, No. 1, P.p: 59-77.